



دستان گره‌گشای حاج محمد

گفت‌وگو با محمد قاسمی؛ جانبازی که مجمع ازدواج آسان را راه‌اندازی کرده است

۲۲

برای انقلاب سفید، خون بی‌گناهان را می‌ریختند!

گستره سرکوب و خشونت رژیم پهلوی، در آنچه خاطرات کارگزاران آن

۲۲



وقتی تلاش‌ها دیده نمی‌شود

«مریم سعادت» و «علی پاکدست» از ضعف‌های تولید تئاتر کودک و نوجوان می‌گویند

۲۴



هلمشایرک فرهنگ



همشهری از شرایط پیچیده اکران ساخته محمد حسین مهدیوان گزارش می‌دهد

«شیشلیک» روی آتش

محمدرضا منصورى: آماده تعامل بیشتر هستیم

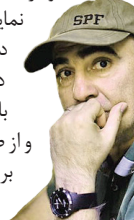
تهیه‌کننده «شیشلیک» معتقد است این فیلم با توجه به اصلاحیه‌هایی که انجام شده، برای اکران مشکلی ندارد، اما سهرابی، مدیرکل اداره نظارت زمان را براسا نمایش آخرین فیلم محمدحسین مهدیوان مناسب نمی‌داند.

بیشترین تعامل را داشتیم

محمدرضا منصورى، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «شیشلیک» به کارگردانی محمدحسین مهدیوان در واکنش به اظهارات روح‌الله سهرابی، مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایى از دلایل عدم اکران این فیلم به همشهری می‌گوید: «این فیلم به‌رغم صدور پروانه نمایش، مجوز اکران نمی‌گیرد، از شهرپورماه ۱۴۰۰ که ما پروانه نمایش فیلم «شیشلیک» را دریافت کردیم تا به امروز، جز تعامل کار دیگری نکرده‌ایم. اصلاحات جشنواره را اعمال کردیم، اصلاحات شورای پروانه نمایش را انجام دادیم، در مرتبه‌ای دیگر اصلاحات مجددی

داشتند که بخش‌هایی از آن را هم اعمال کردیم، اما هنوز حتی حاضر نیستند فیلم ما را بعد از اعمال این اصلاحات ببینند!» و در ادامه از دلخوری‌هایی می‌گوید که به خاطر بی‌توجهی ایجاد شده و با عنوان این مطلب که ما در این مدت هیچ جلسه‌ای نداشتیم، توضیح می‌دهد: «از آخرین باری که با آقای ایل‌بیگی، معاون ارزش‌سنجایی و نظارت درباره این فیلم صحبت کردیم، بالغ بر ۳ ماه می‌گذرد.

از دیهشت‌ماه که با آقای ایل‌بیگی صحبت کردیم، قرار شد یک روز شنبه با هم بنشینیم و در مورد اصلاحات جدید صحبت کنیم، اما این دوستان حتی نمی‌خواهند با ما روبرو شوند! ما چگونه باید درخواست جلسه بدهیم؟ راه از تباطلی ما تلفن است که دوستان حتی پاسخگوی تماس‌های ما نیستند! حالا بعد از ۴ماه پیگیری از سوی ما، بحث و نظرها به فضای مجازی کشیده شده است. به جای گفت‌وگو و تعامل، گفت‌وگوها را در فضای مجازی پیش می‌برند. این یک بی‌تدبیری است و در مواجهه با آن



چگونه باید انتظار داشته باشیم تا مشکل این فیلم و فیلم‌های دیگر حل شود؟ این بی‌توجهی دوستان موجب دلخوری شده است.»

نمی‌خواهند با «شیشلیک» روبرو و شوند

تهیه‌کننده «دسته دختران» با عنوان این مطلب که دوستان در سازمان سینمایی کلانمی‌خواهند با پروژه‌ای به نام «شیشلیک» روبرو شوند، یادآور می‌شود: «استدلال منطقی و قانع‌کننده‌ای برای عدم اکران فیلم ندارند. این مسئله از تباطلی هم به اصلاحاتی که به فیلم وارد کرده‌اند، ندارد. تاکنون ما بسیاری از این موارد را اصلاح کرده‌ایم و در یک تعامل سازنده با شورا، پروانه نمایش فیلم را گرفته‌ایم. حالا اگر دوستان باز اصلاحیه‌های جدید دارند یا حرف تازه‌ای می‌زنند باید با حفظ حقوق قانونی ما و از طریق گفت‌وگو به راه‌حلی برای رفع مشکل فیلم برسند.

فیلم «شیشلیک» وجود دارد که سینماداران و پخش‌کنندگان به‌عنوان صاحب‌نظران حوزه اکران معتقدند می‌تواند رونقی به گیشه سینماها بدهد، آیا باید این امکان را از سینما بگیریم؟ ما باید درباره این فیلم گفت‌وگو کنیم و تمام مشکل ما این است که چرا این گفت‌وگو صورت نمی‌گیرد و شاهد یک بی‌توجهی هستیم؟ چرا امروز کسی از سازمان سینمایی پاسخگوی پیگیری‌های ما نیست؟ آقای سهرابی همین حرف‌ها را می‌توانست در تماس تلفنی به‌خود ما بگوید، چرا در فضای رسانه‌ای آن را مطرح می‌کند؟ این تهیه‌کننده می‌گوید: «الاحزاه در درباره راه‌های ممکن برای نجات فیلم، باید به‌صورت مصدافی گفت‌وگو کنیم. به‌صورت کلی که نمی‌توان صحبت کرد. مسئله ما امروز مسیر از تباطلی صاحبان فیلم با مسئولان سازمان سینمایی است که این ارتباط هم‌اکنون قطع است و من، دلپیش‌رانی‌فهم، نکته دیگر هم این است که ما اساساً برای این فیلم پروانه نمایش داریم که در آن مجاز به نمایش فیلم در ایران، خارج از ایران

برداشت منتقدان تلوزیونی از «شیشلیک»

«شیشلیک» تا امروز بخت روی پرده رفتن را پیدا نکرده و معلوم نیست سرانجام چه زمانی اکران شود. با این حال، در زمان نمایش این فیلم در جشنواره سی‌ونهم فجر آمنتقد برنامه تلوزیونی «هفت» در برابرش موضع‌گیری کردند و این فیلم را به تحقیر فقر و ستایش از دلالان و سوداگران منتهم ساختند. البته مسلم است که برداشت‌های مختلفی از یک فیلم می‌توان داشت و آنچه این آمنتقد گفتند، حرف آخر درباره شیشلیک نیست. باید فیلم اکران شود و قضاوت را بر عهده مردم و سینماورها گذاشت و دید آیا همه با برداشت‌های این آمنتقد سیما موافق هستند؟ فیلم‌هایی بوده‌اند که برداشت مسئولان و منتقدان از آنها با مردم بسیار متفاوت بوده و شاید چون وضع‌شان خیلی خراب است! بیفتد اما این آمنتقد تلوزیون درباره شیشلیک چه گفته بودند؟ در زمان نمایش «شیشلیک» در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر مسعود فرساتی در برنامه «هفت» شیکه سوم سیما درباره آن گفت: «این فیلم به حدی توان همین است که فقط ضد کارگرو کار نیست، بلکه ضدانسان است و برخلاف ظاهر انتقادی فیلم، طرفدار وضع موجود و لمپن بورژواها و دلالان است، من با اجازه دوستان می‌خواهم بگویم کسانی که به این فیلم می‌خندند باید فکری برای خودشان کنند چون وضع‌شان خیلی خراب است! فقط شکم‌سیران می‌توانند به این فیلم بخندند، شکم‌سیرانی که با پول دلاکی و کیفی می‌توانند سیرا باشند. فرم در این فیلم جایی ندارد.» وی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش درباره «شیشلیک» چنین اظهارنظر کرد: «من از همان فیلم اول مهدیوان گفتم این جوان سینما را بلد نیست و ادا درمی‌آورد، مطلقاً نه ندیایی دارد و نه تعهدی به سوزدهایی که انتخاب می‌کند. تعهد یعنی اینکه کارگردان با سوزده مدنظر در فیلم، مسئله داشته باشد.»

محمدتقی فهیم، دیگر منتقد برنامه «هفت» در قسمتی از صحبت‌های تندش درباره این فیلم گفت: «له سقوط آقای مهدیوان در «لاتاری» است، اما من امشب برایش گریه کردم؛ برای فیلمسازی که کارش

و آنلاین شده‌ایم؛ آیا خوب است که ما برویم سراغ گزینه اکران فیلم در خارج از کشور؟ آیا باید سراغ گزینه اکران آنلاین برویم؟ ما که تقابلی با سازمان سینمایی نداریم. فیلمی ساخته شده که برای آن سرمایه‌ای هم صرف شده است، امروز نیاز به این فیلم در جامعه هم وجود دارد، چرا نباید مسئله آن را حل کنیم؟»

استفاده از ظرفیت‌های قانونی

وی تحلیل‌مدیرکل نظارت را شخصی می‌داند و اضافه می‌کند: «به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم این حق را دارم که از تسام ظرفیت‌های قانونی خود برای نجات این فیلم استفاده کنم، اما معتمد باید درباره آن گفت‌وگو کنیم، واقعیت این است که من بسرای تک‌تک جملات و اظهارات آقای سهرابی به‌عنوان مدیرکل نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی، پاسخ و استدلال دارم، اما ترجیح می‌دهم در فضای مجازی وارد این گفت‌وگو نشوم.»



تقدیر از کتاب رسان



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تویییتی نوشت: دیروز در حاشیه سفر استانی به همدان و در شهرستان وزن از آقای بهرام قربانی (۳۰ سال کنابرسانی با موتور) تقدیر کردم. به گزارش اربنا، محمد مهدی اسماعیلی در صفحه شخصی خود در توئیتر با اشاره به تقدیر از بهرام قربانی موتورسوار کتاب‌رسان، نوشت: اوبیش از ۳۰ سال است با عشق و علاقه، با موتورسیکلت برای علاقه‌مندان سه کتاب در روستاهای وزن و درگزین کتاب می‌رساند.

محمد مهدی اسماعیلی روز جمعه در راستای تحقق اهداف عدالت فرهنگی در دولت مردمی و در ادامه سفرهای استانی خود، به استان همدان سفر کرد. بازدید از مجتمع فرهنگی و قرآنی شهرستان وزن، بازدید از مجتمع فرهنگی اندیشه و کتابخانه عمومی شهدای گمنام وزن، زیارت امامزاده قاسم(ع)، حضور و سخنرانی در شورای اداری شهرستان وزن، آغاز عملیات اجرایی مجتمع فرهنگی و هنری شهرستان درگزین، آیین کلنگ‌زنی سالن تخصصی کتابخانه شهر قروه از توابع درگزین و حضور در شورای اداری شهرستان درگزین از برنامه‌های سفر وزیر فرهنگ به استان همدان بود. شهرستان درگزین یکی از شهرستان‌های استان همدان است. مرکز این شهرستان، شهر قروه درگزین است.

محمد مهدی اسماعیلی در توییتر نوشت: «من به همراه همسر خانم زارعی هم چالش جدی

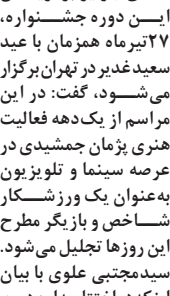
بود. بهروز شعبی هم ملاحظاتی داشت. ترس

داشتیم که آیا زورج بهروز شعبی و مریلا زارعی به هم می‌خورند؟ همه اینها دفعه‌های ما بود. هم بهروز شعبی که خودش کارگردان خیلی خوبی

است و هم خانم زارعی واقعا در حق من لطف داشتند و به من اعتماد کردند. خانم زارعی خیلی

این نقش را دوست داشت و واقعا برای آن جنگید. ساعات‌ها در طول روز با هم بحث می‌کردیم، اما در پایان من به اعتماد می‌کرد و امیدوارم از نتیجه آن هم راضی باشم.»

تجلیل از جمشیدی



از بزمان جمشیدی در جشنواره فیلم‌ها روزنی ایران تجلیل می‌شود. به گزارش همشهری، دبیر سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی ایران با اشاره به اینکه مراسم پایانی اهدای جوایز برگزار شد، این دوره جشنواره ۳۷ تیرماه هم‌زمان با عید سعید غدیر در تهران برگزار می‌شود. گفت: در این مراسم از یک‌دهه فعالیت هنری بزمان جمشیدی و عرضه سینما و تلوزیون به‌عنوان یک ورزشکار شاخص و باز یگر مطرح این روزها تجلیل می‌شود. سیدمجتبی علوی ی بیان اینکه در اختتامیه این دوره، تلاش‌ها و فعالیت‌های سینمایی بزمان جمشیدی تجلیل خواهد شد، گفت: بزمان جمشیدی چه در دوران فعالیت ورزشی و چه در دوران فعالیت هنری چهره‌های معجوب و اخلاق‌مدار بوده‌است و گریه مرتب‌گله می‌کنیم، چراز این روزها محافظت نکردید؟ زخم هنوز خونریز دارد، ولی دردی فیلم‌های ورزشی ایران حس نمی‌کنم؛ پس که تمام وجودم پر از درد گران‌تری است. ... این بخشی از روایت خانم سهره پیریانی از روز شهادت همسرش است؛ ماجرای که حسین دارابی در فیلم هناس آن را به تصویر کشیده است و به نوعی می‌شود گفت فیلم روایتی زنازه از زندگی و زمانه شهید رضایی‌نژاد است.

ماجرای که سینمای ایران ۱۰ سال درباره‌اش سکوت کرد
از مرداد ۱۳۹۰ که داریوش رضایی‌نژاد به شهادت رسید تا روزی که هناس ساخته شد، ۱۰سال گذشته‌است، نکته اینجاست که چراپیداسینمای ایران در برابر چنین واقعه‌ای یک دهه سکوت کند؟ نکته‌ای که سال‌ها هناس هم به آن اشاره می‌کند. «۱۰سال از این اتفاق عجیب می‌گذرد که اگر نمونه آن در جای دیگر دنیا بود و یک دانشمند غیرفرضانی را اینگونه جلوی چشم همسر و فرزندانش ترور می‌کردند، گوش دنیا را بابت آن کر می‌کردند؛ اما ما ۱۰ سال درباره آن سکوت کردیم. من نقدفناش را دارم که درباره این دست موضوعات در سینما فیلم بسازم، باید بهم بابت آن سختی بیشتری بکشم و اعتمادزایی بیشتری کنم.»



گلوله مقابل دانش

هناس روایتی متفاوت درباره زندگی و زمانه داریوش رضایی‌نژاد، یکی از شهدای هسته‌ای است

«هناس» فیلمی که این روزها بر پرده سینماهاست، از جمله آثار سینمای ایران است که ماجرای واقعی را دستمایه قرار داده است. هناس درباره زندگی شهید داریوش رضایی‌نژاد از دانشمندان هسته‌ای کشور است که توسط صهیونیست‌ها به شهادت رسید. حسین دارابی، کارگردان فیلم هناس کوشیده تا مسیر متفاوتی را برای ساخت فیلمی زندگینامه‌ای ببیماید. گام اول این تمایز، انتخاب زاویه دید است. هناس گرچه فیلمی درباره شهید رضایی‌نژاد است، ولی کارگردان کوشیده تا ماجرا را از زاویه دید همسر شهید روایت کند. پیداست که حسین دارابی تلاش کرده تا فیلمی برای همه مخاطبان با هر گرایش و دیدگاهی بسازد و تنها یک گروه خاص را به‌عنوان مخاطب هدف انتخاب نکرده است. هناس روایتی است از دشواری‌های زندگی دانشمندی که در راه خدمت به کشورش با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود؛ از جمله مشکلات خانوادگی که معمولاً در مورد چنین شخصیت‌هایی به آنها اشاره نمی‌شود. با توجه به این رویکرد فیلم موفق می‌شود تصویری ملموس و باورپذیر از زیست شهید هسته‌ای ارائه کند؛ فیلمی که در واقع روایتی زنازه از ماجرای است که سکناس نهایی اش ایران را تحت تأثیر قرار داد. هناس پیشنهادی تازه به سینمای ایران برای پرداختن به زندگی و زمانه قهرمانان ایران معاصر است.

ترکیب بازیگران

انتخاب بهروز شعبی و مریلا زارعی برای نقش‌های شهید رضایی‌نژاد و همسرش، یکی از شاخصه‌های فیلم هناس است. اما چگونه کارگردان هناس به این ترکیب رسید و چگونه این بازیگران منطبق با نقش‌هایشان شدند؟ حسین دارابی در این باره می‌گوید: «با خانم زارعی هم که صحبت می‌کردیم، ساعت‌ها درباره این نگرانی می‌گفتم که تکند این نقش شبیه «بادیگارد» شود. تکند در لحظاتی یادآور «شیار ۱۳۳» باشد. اینها برای خود خانم زارعی هم چالش جدی بود. بهروز شعبی هم ملاحظاتی داشت. ترس داشتیم که آیا زورج بهروز شعبی و مریلا زارعی به هم می‌خورند؟ همه اینها دفعه‌های ما بود. هم بهروز شعبی که خودش کارگردان خیلی خوبی است و هم خانم زارعی واقعا در حق من لطف داشتند و به من اعتماد کردند. خانم زارعی خیلی این نقش را دوست داشت و واقعا برای آن جنگید. ساعات‌ها در طول روز با هم بحث می‌کردیم، اما در پایان من به اعتماد می‌کرد و امیدوارم از نتیجه آن هم راضی باشم.»

روایت همسر شهید
«امولاس بعد از نیم‌ساعت به کوچه شهید خادم رضاییان خیابان بنی‌هاشم می‌رسد. داریوش را روی برانکارد سوار امولاس می‌کنند. من می‌خواهم با داریوش سوار شوم. تکنیسین جلوی مرا می‌گیرد. می‌گویم: همسرش هستم.

می‌گوید: نه نمی‌شود. یکی از همسالگان به ماتوی سوراخ شده من و خونی که از زخمم جاری شده اشاره می‌کند. می‌گوید: خودش هم زخمی است. اجازه سوار شدن می‌دهند. آرمنیا آگانشتام به امان خدا. به ارش رنگ زده‌ام خودش را برساند. حتما بیدایش می‌کند. بالای سر داریوش می‌نشینم. تکنیسین پیراهن داریوش را باز می‌کند. زیرپوش را بالا می‌زند. (تساید هم پاره یا قیچی) به سمت چپ قفسه سینه داریوش نگاه می‌کنند. رد نگاهش را دنبال می‌کنم. جای گلوله را می‌بینم. نگاهم به تکنیسین می‌افتد. به همکارش نگاه می‌کند سسری تکان می‌دهد و معنای سر تکان دادش را می‌فهمم، ولی نمی‌خواهم باور کنم. آشفته می‌پرسم: خطرناک است؟ استیصال من باعث می‌شود سریع بگویند: نه نه چیزی نیست.

نمی‌دانم برای چه کاری از من می‌خواهد دستان داریوش را بگیرم. دست‌هاش بیخ زده‌اند. نمی‌خواهم باور کنم. دوستم دارم دروغ بشنوم. هیچ‌وقت در زندگی‌ام اندازه این لحظات سخت، دوست نداشتم دروغ بشنوم. دیگر توان ایستادن ندارم. همانجا وسط راه رو نقش زمین می‌شوم. وسط گریه مرتب‌گله می‌کنیم، چراز این روزها محافظت نکردید؟ زخم هنوز خونریز دارد، ولی دردی فیلم‌های ورزشی ایران حس نمی‌کنم؛ پس که تمام وجودم پر از درد گران‌تری است. ... این بخشی از روایت خانم سهره پیریانی از روز شهادت همسرش است؛ ماجرای که حسین دارابی در فیلم هناس آن را به تصویر کشیده است و به نوعی می‌شود گفت فیلم روایتی زنازه از زندگی و زمانه شهید رضایی‌نژاد است.

ماجرای که سینمای ایران ۱۰ سال درباره‌اش سکوت کرد
از مرداد ۱۳۹۰ که داریوش رضایی‌نژاد به شهادت رسید تا روزی که هناس ساخته شد، ۱۰سال گذشته‌است، نکته اینجاست که چراپیداسینمای ایران در برابر چنین واقعه‌ای یک دهه سکوت کند؟ نکته‌ای که سال‌ها هناس هم به آن اشاره می‌کند. «۱۰سال از این اتفاق عجیب می‌گذرد که اگر نمونه آن در جای دیگر دنیا بود و یک دانشمند غیرفرضانی را اینگونه جلوی چشم همسر و فرزندانش ترور می‌کردند، گوش دنیا را بابت آن کر می‌کردند؛ اما ما ۱۰ سال درباره آن سکوت کردیم. من نقدفناش را دارم که درباره این دست موضوعات در سینما فیلم بسازم، باید بهم بابت آن سختی بیشتری بکشم و اعتمادزایی بیشتری کنم.»